

اهمیت کدهای ژئوپلیتیکی در ایفای نقش فراملی کلان‌شهرها (کلان‌شهرهای ایران)

دکتر مرتضی قورچی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
سپیده‌سادات موسویان - دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

DOR: 20.1001.1.17354331.1400.17.2.3.6

چکیده

امروزه بسیاری از نظریه‌پردازان مباحث جهانی شدن و شبکه شهرهای جهانی تأکید دارند که در متن اقتصاد جهانی پسافوردیسم شهرها به عنوان گره‌های شبکه‌ها و بازیگران جدید عرصه بین‌الملل به همکاری و رقابت می‌پردازند. از همین منظر معتقدند که این شهرهای جهانی هستند که در آینده جای حکومت - ملت پایه را خواهد گرفت. از طرف دیگر جغرافی‌دانان سیاسی در جهان معتقدند که شهرها نه تنها جای حکومت - ملت پایه‌ها را نخواهند گرفت بلکه حکومت - ملت پایه‌ها نقش و کارکردهای جدیدی را در جهانی شدن می‌یابند. این مقاله بر روی این موضوع تأکید دارد که کدهای ژئوپلیتیکی کشورها به فعالیت‌های شهرهای یک کشور در سه سطح در مقیاس فراملی تأثیرگذار است و شهرهای هر کشوری با توجه به کدهای ژئوپلیتیکی همان کشور در این سه سطح محلی، منطقه‌ای، جهانی می‌توانند در فضای فراملی وارد شده و به رقابت و تعامل با سایر شهرها بپردازند. در این میان کدهای ژئوپلیتیکی کشور ایران و چالش آن‌ها با کدهای ژئوپلیتیکی ایالات متحده سبب شده است تا ایران همواره جهت ورود به فضای جریان‌ها با مشکلات گسترده‌ای در عرصه بین‌الملل مواجه شود و کلان‌شهرهای آن نیز که از ظرفیت‌های جهان شهری و حضور در شبکه جهان شهرها برخوردار می‌باشند، نتوانند هم‌چون سایر کلان‌شهرهای همتای خود در منطقه از فضای جهانی شدن معاصر بهره‌برداری نمایند. این مقاله با رویکردی اسنادی - تحلیلی به دنبال بررسی تعاملات فضای جریان‌ها بر اساس منطق کدهای ژئوپلیتیکی می‌باشد و فرصت‌ها و محدودیت‌های کلان‌شهرهای ایران را با تکیه بر کدهای ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار خواهد داد. واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، فضای جریان‌ها، کدهای ژئوپلیتیکی، شبکه جهان‌شهرها، کلان‌شهرهای ایران.

۱. مقدمه

تبارشناسی شهرها حکایت از آن دارد که شکل‌گیری تمدن بشری همواره مترادف با مدنیت و شهرنشینی بوده است. در واقع مراکز شهری نقش اصلی و بنیادی در شکل‌گیری و گسترش تمدن بشری را داشته‌اند. شهرها در ابتدای شکل‌گیری خود محصور در قلمروهای پیرامونی بوده و بیشتر با پسرکانه‌های خود در سطح محلی تعامل داشتند. از این رو هر شهری حوزه نفوذ خاصی داشت که اساساً مایحتاج غذایی خود را از آن قلمرو تأمین می‌کرد (Soja, 2000:35). به تدریج همزمان با شکل‌گیری امپراطوری‌های بزرگ، شهرها نیز تعاملات خود را از سطح محلی به سطح منطقه‌ای در درون امپراطوری و حتی فراتر از این به سطح جهانی متناسب با شرایط مرسوم آن زمان، رساندند. در واقع حوزه نفوذ بسیاری از شهرهای اصلی یک امپراطوری نه تنها شامل شهرهای امپراطوری‌های مجاور می‌شد بلکه امپراطوری‌های دوردست را نیز در بر می‌گرفت. به عنوان مثال بسیاری از شهرهای چین از طریق یک سلسله از شبکه شهرهای منطقه‌ای و یا شهرهای امپراطوری‌های مجاور مانند: سمرقند، تاشکند، تبریز، بغداد، تعاملات اقتصادی گسترده‌ای با شبکه شهرهای قاره اروپا، به ویژه با شهر رم داشتند. شهر رم مرکز امپراطوری رم محسوب می‌شد که در ارتباط با امپراطوری چین، این امپراطوری به عنوان یک امپراطوری دوردست تلقی می‌شد (Taylor, 2004:9).

بنابراین شهرهایی هم‌چون رم، ونیز، دمشق، تبریز، بغداد، بمبئی، پکن، مالاکا دارای حوزه نفوذ جهانی بودند و در آن‌ها کالاهای شهری (کشاورزی - صنعتی) و پول‌های رایج آن زمان از طریق شبکه راه‌های زمینی و دریایی مبادله می‌شد. این شهرها در واقع همانند حلقه‌های یک زنجیر با هم در ارتباط و تعامل پیوسته بودند و از حوزه نفوذ یک‌دیگر بهره‌مند می‌شدند. این نوع روابط در گذشته باعث شده است که بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی شدن در اواخر قرن بیستم معتقد شوند که روابط بین‌الملل و جهانی‌شدن خیلی قبل‌تر از شکل‌گیری حکومت - ملت‌ها پایه در

تمدن بشری در قالب امپراطوری‌های بزرگ و با تمرکز بر مکان‌های شهری آن زمان شکل گرفته بود.

با شکل‌گیری پیمان وستفاليا در سال ۱۶۴۸ میلادی و ظهور حکومت - ملت‌ها پایه، نقش کشورها و مناسبات بین‌المللی آن‌ها بسیار برجسته‌تر از نقش بین‌المللی شهرها شد. در واقع با شکل‌گیری این رویداد نقش بین‌المللی شهرها در زیر چتر کشورها قرار گرفت و ادبیات روابط بین‌الملل اساساً مبتنی بر روابط میان کشورها پی‌گیری شد و مناسبات قدرت و ثروت در میان کشورها را در کانون تمرکز خود قرار داد. در حقیقت بعد از این پیمان بود که کشورها به عنوان واحدهای سیاسی در نقشه جغرافیایی جهان تجلی یافته و نقشه جغرافیای سیاسی کشورها در نظام بین‌الملل شکل گرفت (Colin, Geoffreg, 1999:58).

بعد از پیمان وستفاليا و به رسمیت شناختن کشورها، این دولت‌ها بودند که تا اواخر قرن بیستم بازیگران بلامنازع عرصه روابط بین‌الملل قلمداد می‌شدند و شهرها فقط در تحت کنترل و نظارت آن‌ها می‌توانستند با سایر شهرهای دیگر وارد تعاملات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شوند. قرن بیستم شاهد وقایع گوناگون در عرصه جهانی بود. در طول این قرن ریشه منازعات به رقابت‌های دول قدرتمند با سایر کشورها در سطح جهان باز می‌گشت که هر یک در زیر چتر منافع ملی، به رقابت و نفوذ در قلمروهای ژئوپلیتیکی یک‌دیگر در بخشی از مناطق مهم جغرافیایی می‌پرداختند. به همین جهت در این منازعات دیپلماسی و روابط بین‌الملل همواره مؤلفه اساسی هر کشوری بود تا به وسیله این دو مؤلفه منافع ملی خود را برآورده کرده و یا اختلافات خود را با سایر دول حل و فصل نمایند و به منازعات خود برای همیشه پایان دهند (Colin, 1999:60).

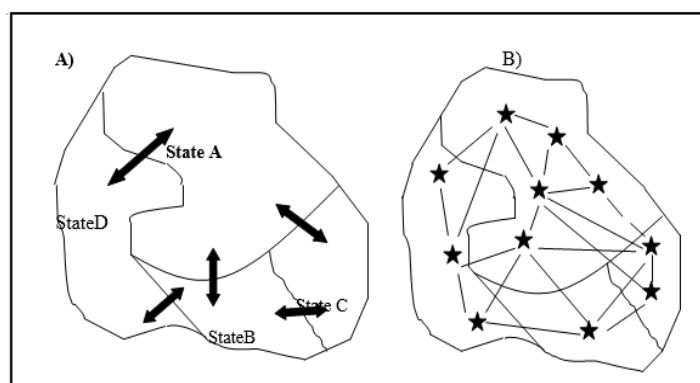
1. Westphalia

پیمان و وستفاليا پیمانی بود که در سال ۱۶۴۸ در منطقه وست فالای کشور آلمان شکل گرفت و در آن بنیان تاسیس حکومت - ملت پایه گذاشته شد که کشورها بعد از این پیمان در وضعیت مدرن کنونی بوجود آمدند.

بنابراین تا اواخر قرن بیستم این کشورها بودند که بدون تردید عرصه اصلی بازی بودند که غالباً کسانی هم چون کاستلز (Castells,2007:387) و تیلور از این وضعیت تحت عنوان فضای مکان‌ها یاد می‌کنند (Taylor,2004:136).

بر اساس نظریات کاستلز و تیلور جهان تا اوایل دهه ۱۹۷۰ بر اساس فضای مکان بنا شده بود، که اساساً بر مبنای همجواری مناطق و کشورها تعریف می‌شود. در فضای مکان‌ها مناسبات بین‌الملل در حوزه سیاسی مبتنی بر حضور و میزان بازیگری هر کشور در عرصه بین‌الملل است که به دنبال خود مباحث اقتصاد بین‌الملل را در حوزه اقتصاد به همراه دارد. از این رو این کشورها هستند که در فضای مکان‌ها امنیت سیاسی و اقتصادی را برای شهروندان خود تأمین می‌کنند (Moisavi,2007:79). در چنین فضایی هرگونه تعامل بین‌المللی نهادهای درون حکومتی باید از طریق دولت پیگیری شود و دولت هر کشوری خود را مسئول ملت و سرزمین‌اش می‌داند به همین جهت است که در فضای مکان‌ها برای یک دولت مرزهای سرزمینی، یک مبنای اساسی و ضروری برای حاکمیت ملی و وحدت سیاسی تلقی می‌شود.

شکل (۱): مقایسه فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها (A- فضای مکان‌ها B- فضای جریان‌ها)



(Source: Flint,2006:159)

- 1.Castells
- 2.Taylor
- 3.Spaces of Place

۲. روش تحقیق

این مقاله با رویکردی اسنادی - تحلیلی به دنبال بررسی تعاملات فضای جریان‌ها بر اساس منطق کدهای ژئوپلیتیکی می‌باشد. از این رو هر کشوری با داشتن کدهای ژئوپلیتیکی خاص خود در سطح محلی و منطقه‌ای یا جهانی به سیاست خارجی خود شکل می‌دهد و در این میان شهرها نیز در چارچوب کدهای ژئوپلیتیکی هر کشوری می‌توانند در شبکه جهان شهرها نقش‌آفرینی نمایند. این پژوهش در نهایت به بیان فرصت‌ها و محدودیت‌های کشور ایران و همچنین کلان‌شهرهای ایران در تعاملات فضای جریان‌ها و جهانی شدن معاصر با تکیه بر کدهای ژئوپلیتیکی مورد نظر تأکید می‌نماید.

۳. مباحث نظری تحقیق

بنا به نظر کاستلز مهم‌ترین عاملی که باعث شد تا نظام سرمایه‌داری با تجدید ساختار مواجه شود یکی بحران در اقتصاد فوردیسم^۱ بود و دیگری به شکل‌گیری تکنولوژی اطلاعات در اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گشت (Webster, 2003: 365). به عبارتی تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری سبب به وجود آمدن نظام تکنولوژیک - اقتصادی جدیدی شد که از آن به نام سرمایه‌داری اطلاعاتی یاد می‌شود. این فرآیند یکی از مهم‌ترین تحولات پایانی قرن بیستم بود که شرایط جدیدی به جهانیان عرضه کرد. در حقیقت سرمایه‌داری اطلاعاتی آن‌چنان جهان را سخت درهم تنیده کرد که در آن اقتصادها، جوامع و فرهنگ‌های آنها بیش از هر زمان به یکدیگر گره خورده‌اند. در این فضای جدید، سرمایه‌های پولی به کودک بی‌قراری شبیه است که حتی برای یک ثانیه نیز نمی‌تواند آرام بگیرد، چیزی که هاروی^۲ از آن به نام اقتصاد پسا فوردیسم^۳ یاد می‌کند که فشردگی زمان - مکان^۴ از شاخصه‌های اصلی سرمایه‌داری اطلاعاتی است و در درون خود جهان پرشتاب توأم با نظام‌های انعطاف‌پذیر تولید و الگوهای پیچیده مصرف را در بر می‌گیرد. به عبارتی هاروی از این وضعیت جدید به نام اقتصاد پسا فوردیسم یاد می‌کند (Harvey, 1990: 141).

1. Fordism Economy
2. Harvey
3. Post- Fordism Economy
4. Time-Space Compression

به طور کلی خصلت اقتصاد سرمایه‌داری اطلاعاتی چنان است که بخش‌ها، بازارها و افراد غنی را به یک‌دیگر متصل می‌سازد و در یک چرخه تولید سود به همکاری و می‌داند. خصوصیت سرمایه‌داری جدید مبتنی بر تولید تخصصی اما سودآور در گروه‌های کوچک است که به وسیله فنآوری‌های نوین و کارگران آموزش دیده با دانش روز پشتیبانی می‌شود (Jones, et al, 2007). از سوی دیگر این اقتصاد، بخش‌ها و بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می‌کند (Castells, 2007: 18). آنچه که امروزه در قالب جهانی شدن در بیشتر مباحث از آن یاد می‌کنند در واقع همین وضعیت جدید است که دیوید هاروی آن را اقتصاد پساوردیسم و مانوئل کاستلز سرمایه‌داری اطلاعاتی مبتنی بر شبکه می‌نامد. به همین جهت اغلب اندیشمندان برای تفکیک کردن بحث خود از جهانی شدن باستانی، به انتهای واژه جهانی شدن خود لغت "معاصر" را می‌افزایند. جهانی شدن معاصر دارای سه خصیصه اصلی است که آن را از سایر تعاریف جهانی شدن متمایز می‌کند.

- **اقتصاد اطلاعاتی!** که در آن بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی و کشورها، بیش از هر زمان دیگری به معرفت و دانش، اطلاعات و تکنولوژی لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله تکنولوژی مدیریت و مدیریت تکنولوژی وابسته است.

- **اقتصاد جهانی!** خصلت این اقتصاد چنان است که بخش‌ها، بازارها و افراد غنی را به یک‌دیگر متصل می‌سازد و در یک چرخه تولید سود به همکاری و می‌داند و بخش‌ها و بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می‌کند.

- **فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای!** این نوع فعالیت‌ها شکل جدیدی از سازمان و تشکیلات است که مشخصه فعالیت اقتصاد جهانی به شمار می‌آید. این نوع سازمان به تدریج منطق خود را بسط می‌دهد و بر دیگر سازمان‌ها و تشکیلات سلطه پیدا می‌کند. این شبکه یا متشکل است از بخش‌هایی از شرکت‌ها و مؤسسات و بنگاه‌های مختلف و یا از رهگذر تقسیمات درونی در

-
1. Contemporary
 2. Information Economy
 3. World Economy
 4. Activites of Network Economy

یک بنگاه بزرگ پدید می‌آید (Castells, 2007: 15).

در حقیقت براساس این خصیصه‌ها، جهانی شدن معاصر متکی به نوعی دینامیسم درونی است که حد و مرزی را بر نمی‌تابد و از انعطاف زیاد برخوردار بوده و فزون‌طلب و گسترش‌پذیر است. در عین حال جهانی شدن معاصر متکی بر منطق شبکه است که از شماری نقاط اتصال یا گره‌ها، مشابه سیناپس‌های آسلسله اعصاب تشکیل یافته که سرمایه در میان آنها در جریان بوده و کنترل بر شبکه از طریق آنها اعمال می‌شود. حضور این پدیده در عرصه جهانی، عالم را به دو قطب کلی، اعضای شبکه و محرومان از عضویت در شبکه تقسیم می‌کند. در حالی که گروه دوم به تدریج در مسیر نابودی و انقراض قرار می‌گیرند و با چالش‌های هویتی خاصی مواجه می‌شوند که در این مسیر ممکن است احیاناً به حرکتی تند و خشن برای جلوگیری از فنا شدن توسل جویند. این وضعیت جدید همان چیزی است که کاستلز از آن به نام جامعه شبکه‌ای^۳ و فضای جریان‌ها^۴ یاد می‌کند (Castells, 2007: 19).

علاوه بر این قطبی شدن در درون جهان‌شهرها نیز شکل می‌گیرد. امروزه جهان‌شهرها، ثروتمندترین و فقیرترین افراد جامعه را در خود جای داده‌اند. در این شهرها افزایش بنگاه‌ها و خدمات مالی و مجتمع‌های تولیدی، مشاغل پردرآمدی ایجاد می‌کند که باعث مهاجرت خانوارهای کم‌درآمد به سوی این شهرها شده است (Short and Kim, 2005: 89-90).

جامعه شبکه‌ای و فضای جریان‌ها در چارچوب پیوندهای بی‌شمار اقتصاد جهانی، روابط و اتصالاتی که در طول فضا و به موازات اقتصاد اطلاعاتی بنا شده است، نمود یافته و شکل گرفته است. از نظر تیلور ژئوپلیتیسین مشهور پست مدرن، فضای جریان‌ها شامل دو سطح عمده است؛ نخست سطح زیرساختی و دوم، سطح سازمانی؛ سطح اول "جهانی کابلی شده" است که تجهیزات سخت‌افزاری را به تجهیزات نرم‌افزاری پیوند داده است که این امر ارسال الکترونیکی اطلاعات را به سراسر جهان ممکن می‌سازد. سطح دوم عبارت است از الگوهای اجتماعی پیوندها

-
1. Nods
 2. Sinaps
 3. Network Society
 4. Spaces of Flows

میان مردم و نهادهایی که عملکرد جامعه شبکه‌ای را میسر می‌سازد. در سطح اول یا جهان کابلی شده گره‌های شبکه ساختارهای مکانی هستند که در شهرها تبلور می‌یابند. اگر چنانچه یک گره در ساختار سلسله مراتبی شبکه از اهمیت بیشتری برخوردار شود واحد مکانی گره که شهر می‌باشد دارای مقیاس عملکردی جهانی خواهد بود و به نام جهان‌شهر^۱ در ساختار سلسله مراتب جامعه شبکه‌ای حضور خواهند یافت (Taylor et al,2002:18).

۱-۳. ظهور جهان‌شهرها

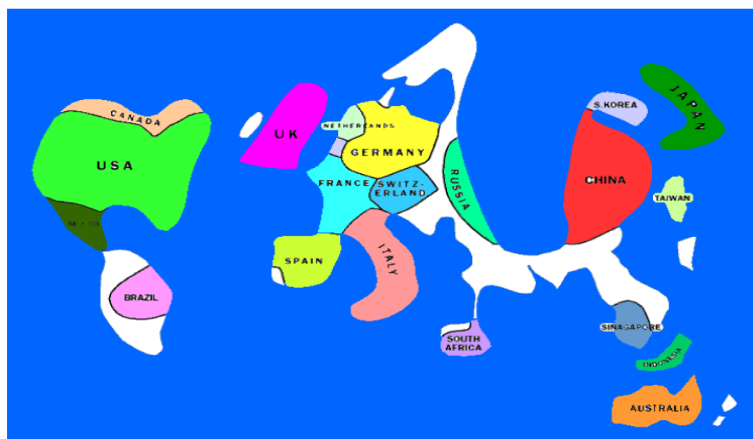
براساس تعاریفی که رنه شورت از جهان شهر ارائه کرده است چنین می‌توان گفت که حضور یک شهر در شبکه می‌تواند مبنای جهانی بودن آن شهر محسوب شود (Short and Global,2004:2). جهان شهرها هم علت و هم معلول جهانی شدن اقتصادی و فرهنگی هستند. این شهرها را باید به منزله محصول تلفیق تقسیم‌بندی جدید بین‌المللی نیروی کار، بین‌المللی‌سازی امور مالی و استراتژی‌های جهانی شبکه‌های شرکت‌های فراملیتی تلقی کرد که تمامی آن‌ها به شیوه‌های جدید نظارت و نیز فناوری‌های فرآیند انقلابی ارتباطات تجهیز گشته‌اند (Jahnston et al:353).

در حقیقت جهان‌شهرها را باید به عنوان مکان‌ها و موقعیت‌هایی به حساب آورد که از طریق آن‌ها مناطق وسیعی از جهان به فضای انباشت جهانی سرمایه می‌پیوندند. این شهرها گره‌های اصلی شبکه محسوب می‌شوند که در عملکرد هر اندازه یک گره در ساختار شبکه بتواند برخوردار صمیمانه با سرمایه داشته باشد سرمایه و شرکت‌های چندملیتی را به سوی خود خواهد کشاند. در این وضعیت سرمایه می‌تواند به نحو کامل از این فرصت بهره‌مند و برخوردار شده و به راحتی شهری را از فرصت‌های توسعه در جهان برخوردار کند. بنابراین به محض اینکه شرایطی فراهم شد تا یک شهر بتواند در شبکه حضور یابد، شرکت‌ها می‌توانند در زمینه سرمایه‌گذاری در کارخانجات و تأسیسات جدید، در بعد مقررات و اعطای کمک‌های بلاعوض و یا یارانه‌ها، یک شهر را در ساختار سلسله مراتب شبکه ارتقاء دهند و فرصت‌های فراوانی را در پیش‌روی شهروندان آن قرار دهند. به همین دلیل است که امروزه جهان شهرها به عنوان کانون‌های نوظهور

قدرت تجلی می‌یابند و به شدت با یکدیگر در رقابت به سر می‌برند، چرا که تغییر در گره‌های شبکه، یعنی جابجایی مکان‌های شهری و ظهور و سقوط آن‌ها در ساختار سلسله مراتب شبکه است. از این رو مکان‌ها به عنوان نقاط گرهی در ساختار شبکه و در رقابت با سایر گره‌ها، ممکن است در فضای جریان‌ها دچار ضعف شده پیامد آن منجر به زوال اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آن شود.

ساسکیا ساسن^۱ به این مسئله اشاره می‌کند که امروزه شهری را می‌توان جهانی تعریف کرد که به عنوان پایگاه تولید اقتصاد اطلاعاتی در فضای جریان‌ها نقشی را به خود بگیرد (Sassen, 2006: 16). بنابراین تعریف جهان‌شهر در این چارچوب نه بر مبنای جمعیت یا درآمد سرانه، بلکه براساس جایگاه آن در ساختار شبکه‌ای فضای جریان‌ها است. تیلور معتقد است که در عصر اطلاعات که هم اکنون داریم در آن به سر می‌بریم، دانش بیش از هر زمانی نشان‌دهنده قدرت است که آن نیز در جهان‌شهرها جای گرفته است. تمرکز دانش به ویژه در خدمات تولیدی پیشرفته هم‌چون؛ حسابداری، تبلیغات، فعالیت‌های بانکی و مالی، بیمه، حقوق، مشاوره‌های مدیریتی سبب شده است تا اقتصاد جهانی در عملکرد بسیار توانا جلوه کند. بر همین اساس تیلور نقشه‌های نوینی از جهان ارائه کرده است (Taylor, 2001: 213-222). که در واقع جغرافیای جهانی شدن را به نمایش می‌گذارد.

شکل (۱): نقشه میزان حضور کشورها در فضای جریانها



(Source: Taylor, 2001)

گروه تحقیقاتی شهرهای جهانی که توسط پیتر تیلور و همکاران آنها اداره می شود، با به تصویر کشیدن شهرهای جهانی و قرار دادن آنها در نقشه جغرافیای سیاسی مرسوم جهان، تصویری از وضعیت کشورها و قدرت آنها بر اساس شاخص فضای جریانها ارائه داده اند. هدف آنها از این تصویر این بوده است که نشان دهند کشورها در درون فضای جریانها از چه جایگاهی برخوردارند و قدرت اثرگذاری آنها در جهان شبکه ای چگونه است. در حقیقت این نقشه نشان دهنده جایگاه و قدرت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی جهان شهرها است که در نهایت جایگاه نسبی یک کشور را در اقتصاد جهانی و فضای جریانها تعیین می کند. به عنوان مثال در این نقشه ایالات متحده بیشترین حضور را در فضای جریانها دارد و سایر کشورها نیز به میزان تعداد شهرهایی که در فضای جریانها از آنها حضور دارند وزن ژئوپلیتیکی خاصی را به خود اختصاص داده اند. علاوه بر این، این شکل (۱) نشان دهنده فضای مکان نیز می باشد. در این نقشه فضاهایی که با رنگ سفید مشخص شده است و عموماً شامل خاورمیانه آسیای مرکزی، اروپای شرقی بخشی از آمریکای لاتین و آفریقا به استثنای آفریقای جنوبی که در آن ژوهانسبورگ به عنوان یک شهر درجه سه در شبکه حضور دارد، به عنوان عرصه های جغرافیایی فضای مکانها محسوب می شوند که هنوز در فضای مکانها نقش آفرینی می کنند. در واقع هیچ یک از کلان

شهرهای این مناطق در شبکه جهان‌شهرها حضور نداشته و عملکرد آن‌ها براساس فضای مکان‌ها است (Taylor, 2001: 28).

۲-۳. جایگاه ایران در جغرافیای جهانی شدن

ایران کشوری است که به لحاظ قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاص، از دیرباز کانون تحولات گسترده بوده است. موقعیت جغرافیایی این کشور در نقشه سیاسی جهان سبب شده است تا ایران از جایگاه و منزلت ژئوپلیتیکی خاصی در سطح محلی و منطقه‌ای برخوردار شود. این کشور در قبل از شکل‌گیری پیمان وستفاليا همواره به عنوان یک امپراطوری شرقی، نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی و اقتصادی جهان باستان داشته است. به همین دلیل شهرهای اصلی این کشور در ایران باستان و حتی بعد از اسلام کانون مبادلات تجاری در زنجیره‌ای از شبکه شهرهای تاریخی بوده است. به عنوان مثال تبریز در شمال غربی ایران همواره به عنوان یک دروازه ژئوپلیتیکی عمل کرده و با شهرهای امپراطوری‌های مجاور ایران تبادلات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای داشته است (Taylor, 2004: 23). سایر شهرهای دیگر ایران نیز هم‌چون نیشابور، بندر بوشهر، بندرعباس، اهواز و ... هرکدام برای تمدن‌های مجاور خود نقش دروازه‌ای را داشتند. بنابراین شبکه شهری کشور ایران در قبل و بعد از اسلام همواره نقش فراملی خود را داشت. با شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و تحول اساسی در تاریخ معاصر آن یعنی وقوع انقلاب مشروطه، آنچه که ایران را وارد عرصه نظام بین‌الملل و مراودات سیاسی - اقتصادی با جهان خارج کرد، دولت مرکزی بود نه دولت‌های محلی - شهری. به عبارتی براساس پیمان وستفاليا و شکل‌گیری دولت مدرن در ایران، وظیفه انجام امور خارجی و بین‌المللی بر دوش دولت مرکزی ایران نهاده شد و بدین‌گونه ایران در تعاملات فضای مکان‌ها وارد عرصه جهانی و بین‌المللی شد. با ورود ایران به تعاملات نظام بین‌المللی و کشف منابع عظیم انرژی، این کشور به یک باره در قرن نوزدهم و بیستم در کانون فضای رقابتی میان قدرت‌های بزرگ جهانی قرار گرفت و ناخواسته در مرکز تحولات ژئوپلیتیکی فضای مکان‌ها به ایفای نقش پرداخت. ایران در طول قرن بیستم، در انگاره‌ها و تقسیم‌بندی کلان ژئواستراتژیک جهانی در درون بلوک غرب

قرار گرفت (Cohen,2003:98). این کشور تنها کشور پیمان سنتو بود که با بلوک شرق و مشخصاً با اتحاد جماهیر شوروی مرزهای مشترک زمینی و دریایی داشت. به همین دلیل ایران در انگاره‌های کشورهای غربی از حساسیت بسیار بالایی برخوردار بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ این کشور عملاً از هم پیمانی با بلوک غرب منصرف شد و با شعارها و خط‌مشی انقلابی در اداره کشور، رویکرد ضد امپریالیستی به خود گرفت.

اساساً رهبران انقلاب اسلامی کشورهای غربی را تهدیدی برای انقلاب نوظهور خود می‌دانستند. هرچند که این تهدیدات به رهبری ایالات متحده گاهی جنبه عملی نیز به خود گرفته که واقعه طبس مثال خوبی در این باره است. از سوی دیگر دولت انقلاب اسلامی ایران با اتحاد جماهیر شوروی نیز به جهت ایدئولوژی الحادی، در تعارض بود و به همین جهت این کشور نیز تهدید بالقوه برای انقلاب نوظهور محسوب می‌شد. اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اکتشاف ذخایر انرژی در دریای خزر که در دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، ایران بار دیگر از منزلت ژئوپلیتیکی خاصی در جهان برخوردار شد. به طوری که جفری کمپ نقشه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای از ایران را در دهه ۱۹۹۰ ارائه کرد که در آن کشور ایران درست در میان بیضی انرژی جهانی قرار گرفته بود (Mojtahedzadeh,2013:317). به عبارتی ایران در جنوب با خلیج فارس و اهمیت حیاتی آن به جهت تأمین انرژی برای غرب و در شمال نیز با رقابت‌های قدرت‌های بزرگ برای کسب هرچه بیشتر بازار انرژی دریای خزر در رقابت‌های فضای مکانی مواجه بود. اما ایران با داشتن چنین ویژگی‌های پراهمیتی در صحنه رقابت‌های ژئوپلیتیکی جهان و فضای مکان‌ها، متأسفانه هنوز به درستی نتوانسته وارد تعاملات فضای جریان‌ها و جهانی شدن شود.

۳-۳. کدهای ژئوپلیتیک

در راستای بیان جایگاه نسبی یک کشور در اقتصاد جهانی و فضای جریان‌ها در عصر پسافوردیسم، مفهوم کدهای ژئوپلیتیکی که از مباحث جدید در جغرافیای سیاسی است اهمیت می‌یابد. کدهای ژئوپلیتیکی رفتار هر کشوری را در چارچوب نظام ژئوپلیتیک جهانی می‌تواند تعریف کند. از این نظر، پیتر تیلور کد ژئوپلیتیکی را در دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور قرار می‌دهد که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار داده

و به عبارت دیگر، کدهای ژئوپلیتیکی مجموعه‌ای از پیش فرض‌های سیاسی - جغرافیایی مربوط به زیر ساخت سیاست خارجی یک کشور را تشکیل می‌دهد (Taylor, 1994:26).

کالین فلینت اندیشمند جغرافیای سیاسی معتقد است رفتاری که در آن یک کشور جهت‌گیری خود را نسبت به جهان تعیین می‌کند، یک کد ژئوپلیتیکی نامیده می‌شود. هر کشوری در جهان، کد ژئوپلیتیکی خود را تعریف می‌کند که شامل پنج محاسبه اصلی است:

الف) چه کسانی هم پیمانان بالقوه و فعلی ما هستند،

ب) چه کسانی دشمنان بالقوه و فعلی ما هستند،

ج) چطور می‌توانیم متحدین خود را حفظ نموده و متحدین بالقوه‌ای را ایجاد کنیم،

د) چطور می‌توانیم با دشمنان فعلی و تهدیدهای نوظهور مقابله کنیم،

ه) چگونه چهار محاسبه بالا را به جامعه خود و به جامعه جهانی توجیه کنیم (Flint, 2006:55-56).

وجود رابطه قوی بین کدهای ژئوپلیتیک و نظام ژئوپلیتیک جهانی توسط تیلور (۱۹۹۳) ذکر شده است. وی در کار خود صریحاً ذکر می‌کند؛ کدهای ژئوپلیتیک عناصر سازنده نظام ژئوپلیتیک جهانی هستند. این امر هنگامی درک می‌شود که ما به مقیاس جغرافیایی کدها توجه کنیم، هم‌چنین سطوح مختلف این کدها را با یکدیگر مطابقت دهیم و یک الگوی جهانی نسبتاً پایدار را به عنوان یک نظم ژئوپلیتیک ایجاد نماییم (Naji et al, 2011:231).

از نظر تیلور کدها در سه سطح محلی، منطقه‌ای، و جهانی عمل می‌کنند. بدین معنی که کشورها در درجه نخست و در سطح محلی به ارزیابی کشورهای همسایه می‌پردازند و این چهار اصل را در مورد همسایه‌های خود به دقت مورد بررسی قرار می‌دهند. در درجه دوم در سطح منطقه‌ای کشور های ماورای همسایگان مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در نهایت، در سطح جهانی که در این وضعیت تنها چند کشور معدود توانایی داشتن کدهای ژئوپلیتیکی جهانی را دارند. بنابراین تمامی کشورها در سراسر جهان از کدهای جهانی متأثر خواهند شد. درک مفهوم کدهای ژئوپلیتیک امکان تجزیه و تحلیل برنامه‌های متعددی را که کشورها با آن روبرو هستند و تنوع گزینه‌های سیاستی که برای پرداختن به آن‌ها در دسترس است، می‌دهد (Flint, 2006:75-76).

نکته مهم دیگر این است که اگرچه سه سطح مختلف کد ژئوپلیتیک وجود دارد، اما جدا کردن آن‌ها از یکدیگر نادرست است. در واقع کدهای ژئوپلیتیک در سطح محلی با زمینه ژئوپلیتیک جهانی ارتباط دارند. این همان چیزی است که تیلور به عنوان یک رابطه سلسله مراتبی بین کدها تعریف می‌کند. برای او، "کدهای محلی کشورهای کوچک باید در کدهای منطقه‌ای کشورهای متوسط قرار بگیرند که به نوبه خود باید در کدهای جهانی قدرت‌های جهانی قرار گیرند". توضیح روشن‌تر درباره این رابطه سلسله مراتبی بین مقیاس‌های مختلف کدها این است که "هرچه قدرتمندتر ایده‌ها و فرضیات را به کم‌قدرت‌ترین‌ها تحمیل می‌کند". به‌ویژه، "قدرت‌های بزرگ" به اصطلاح تأثیر بیش از حد بر کدهای ژئوپلیتیکی سایر اعضای سیستم داشته‌اند". در واقع، این امر به رابطه قوی بین کدهای ژئوپلیتیک و نظم ژئوپلیتیک جهانی اشاره دارد زیرا این کدهای ژئوپلیتیک محتوا و مفروضاتی هستند که در پس تصمیمات سیاست خارجی دولت‌ها قرار گرفته و در سه مقیاس جغرافیایی ترکیب شده و یک الگوی جهانی از سیاست را تشکیل می‌دهند که ما آن را نظم ژئوپلیتیک جهانی نامیده‌ایم (Naji et al, 2011:232).

فلینت در راستای مفهوم کدهای ژئوپلیتیکی به تشریح عواملی که سبب جذب متحدین یک کشور در عرصه جهانی می‌شود، می‌پردازد. و آن‌ها را شامل: ۱. روابط اقتصادی ۲. تبادل فرهنگی هم‌چنین وسیله دیگری برای حفظ یا پرورش صلح است. بورسیه‌های تحصیلی درک بین‌المللی و روابط طولانی مدت را تشویق می‌کنند. ۳. ارتباطات نظامی نیز به عنوان ابزاری برای حفظ همکاری بین‌المللی تلقی می‌شود. ناتو شاید قوی‌ترین حالت باشد که در آن مشخص شود حمله به یک عضو حمله به همه محسوب می‌شود. یکی دیگر از ابزارهای ارتباط با متحدان، فروش تجهیزات نظامی است که انتظار می‌رود خریدار ضعیف‌تر و معمولاً با فروشنده قدرتمندتری گره بخورد (Flint, 2006:56-57).

او هم‌چنین مکانیزم‌هایی که در جهت دفع دشمنان فعلی و تهدیدهای نوظهور را شامل: ۱. توانایی هسته‌ای آنقدر قوی است که دشمنان را بارها نابود سازد. ۲. دیپلماسی، مذاکرات بین دولت‌ها حداقل برای جلوگیری از خصومت و در بهترین حالت پرورش روابط دوستانه‌تر است. ۳. تحریم‌ها وسیله‌ای غیر نظامی معمول برای مجبور کردن دشمنان به پیروی از خواسته‌های خود

است. ۴. استفاده از رسانه‌ها نیز در این امر دخیل است، زیرا رسانه‌ای هم‌چون هالیوود مجموعه‌ای از فیلم‌هایی مبتنی بر شرق‌شناسی را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که با ظرافت، سیاست خارجی ایالات متحده را در منطقه توجیه می‌سازد (Flint, 2006: 56-58).

همان‌طور که در بالا اشاره کردیم هر کشور دارای یک کد ژئوپلیتیکی است. برای بسیاری از کشورها نگرانی اصلی در ارتباط با همسایگان مجاور است. آیا آن‌ها دوست هستند یا دشمن؟ آیا مسأله، افزایش تجارت یا تهاجم قریب‌الوقوع است؟ اما برخی کشورها ادعای توسعه یک کد ژئوپلیتیکی منطقه‌ای را دارند که در آن سوی همسایگان مجاور خود نفوذ داشته باشند (Flint, 2006: 58).

۳-۴. مفهوم امر سیاسی و ارتباط آن با کدهای ژئوپلیتیکی

با بیان چگونگی تدوین کدهای ژئوپلیتیک در ساختار ژئوپلیتیک جهانی متوجه خواهیم شد. بعد اساسی یک کد ژئوپلیتیکی، روش توجیه تصمیمات و اقدامات یک کشور است و یک مورد قانع‌کننده برای اینکه چرا یک کشور "تهدید" است (Flint, 2006: 79).

در این راستا برای درک عمیق کدهای ژئوپلیتیک می‌توان به مفهوم امر سیاسی کارل اشمیت توجه کرد. هسته اصلی امر سیاسی، خصومت فی‌نفسه نیست، بلکه تمایز بین دوست و دشمن است و هم دوست و هم دشمن را پیش فرض قرار می‌دهد. اشمیت در مفهوم امر سیاسی بیان می‌کند دوگانگی دشمنان از کجا ناشی می‌شود؟ دشمن چیزی نیست که به هر دلیلی باید از بین برود و به دلیل بی‌لیاقتی خود نابود شود. دشمن در سطح خودش است و به همین دلیل فرد باید در جنگ با او درگیر شود تا معیار خود، حد و اندازه خود را بدست آورد (Schmitt, 2020: 46-48).

کدهای ژئوپلیتیکی کشورها ریشه در حفظ امنیت آن‌ها دارد. روی هم رفته، امنیت در ارتباط با تمامیت ارضی یک کشور است. به عبارت دیگر، کدهای ژئوپلیتیکی در نتیجه امر سیاسی کشورها، تعیین‌کننده روش‌هایی هستند که در آن‌ها حاکمیت کشور باید حفظ گردیده یا جایگاه و رفاه آن افزایش یابد. در این معنا، مفهوم دوست و دشمن ابزار مهم امر سیاسی در تبیین کدهای ژئوپلیتیکی کشورها در عرصه نظام جهانی نقش مؤثری دارد. در این راستا بسیاری از رهبران

جهانی با بیان کدهای ژئوپلیتیک خود در راستای مفهوم ما و دیگری در جهان پساوردیسم مانع از حضور بسیاری از گره‌ها در اقتصاد جهانی می‌شوند.

نظم ژئوپلیتیک جهانی تجمیع کدهای ژئوپلیتیکی تمامی کشورها است، برخی از کدهای ژئوپلیتیک کشورها تأثیر بیشتری نسبت به بقیه دارند و در طی مرحله‌ای از رهبری جهان، برنامه ژئوپلیتیکی سایر کشورها به شدت تحت تأثیر رهبر جهان قرار می‌گیرد (Flint, 2006: 65-58).

از دیدگاه فلینت در روند نظم ژئوپلیتیک جهانی، کدهای ژئوپلیتیک باید پویا باشند. این پویایی در نتیجه تعامل سیاست داخلی کشورها با در نظر گرفتن کدهای ژئوپلیتیک رهبر جهانی مشخص شده است. در این راستا مفهوم امر سیاسی کارل اشمیت به معنای تمایز میان دوست و دشمن، ارتباطاتی را بین فضاها و کدهای ژئوپلیتیکی ایجاد کرده است که سبب پویایی و اهمیت آن‌ها در روند نظم ژئوپلیتیک جهانی شده است. بر این اساس در این سیستم، اگر قرار است با دشمنان مبارزه شود، اساس خصومت باید روشن باشد و ضرورت جنگ نیز بر مبنای کدهای ژئوپلیتیکی باید توجیه گردد.

ایالات متحده، از نظر اشمیت، در جهت محافظت از منافع خود در کشورهای دیگر مداخله ایجاد کرده، اما این کشورها را تحت مدیریت مستقیم خود نگرفته و تمامیت ارضی آن‌ها را بر هم نزنده است. به جای ایجاد کنترل مستقیم بر قلمرو کشورهای دیگر، ایالات متحده وضعیت مبهمی از "عدم حضور" را حفظ کرد و به مداخله خود در برخی از کشورها مشروعیت بخشید، اما سایر کشورها را از دخالت در جایی که منافع آن تهدید شود منع کرده است (Minca, 2015: 57).

برهمن اساس هنگامی که در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مورد تهدید جدی قرار گرفت با طرح "جنگ بر علیه تروریسم" در واقع کد ژئوپلیتیکی جهانی نوینی برای خود تعریف کرد که با پی‌گیری آن در سطح جهانی می‌خواهد به نظم نوین مورد نظر خود برسد. به همین دلیل هر کشوری که با این کد هماهنگ و سازگار باشد جزء متحدین این کشور محسوب می‌شود و چنانچه کشوری نتواند خود را با این کد انطباق دهد به عنوان یک کشور مخالف با منافع ملی آمریکا تلقی شده و در تبلیغات رسانه‌ای این کشور از آن به نام حامی تروریسم و ضد آزادی‌های

بشری یاد می‌شود. چندین کشور که دارای کدهای ژئوپلیتیکی جهانی هستند در سطح کلان، کشورهای دیگر را با انگاره مرکزیت خود، در یک تقسیم بندی ژئواستراتژیک قرار می‌دهند. در این قلمروهای ژئواستراتژیک جایگاه یک کشور در میان معدود کشورهای دارای این کد مشخص می‌گردد. کدهای منطقه‌ای سبب می‌شود تا قلمروهای منطقه‌ای کشورها و حوزه نفوذ آنها مشخص شود و کدهای محلی سطح مناسبات اقتصادی و سیاسی یک کشور را با همسایگان خود تعیین می‌کند (Flint, 2006:93).

۴. تجزیه و تحلیل

۴-۱. کدهای ژئوپلیتیکی ایران و ناتوانی کلان‌شهرهای ایران در جهت ورود به عرصه جهان شهرها کشور جمهوری اسلامی ایران در دو سطح دارای کد می‌باشد ولی فاقد کدهای جهانی است چرا که ایران کشوری است با حوزه نفوذ و تأثیرگذاری در سطح محلی و منطقه‌ای. اما در همین دو سطح کدهای ایران با کدهای ایالات متحده آمریکا که دارای کدهای ژئوپلیتیکی جهانی است در تعارض می‌باشد. بنابراین بسیاری از همسایگان ایران و یا کشورهای واقع در حوزه نفوذ منطقه‌ای این کشور به جهت همراهی با کد جهانی آمریکا یعنی جنگ بر عیله ترور و متعاقب آن پذیرفتن نظم جهانی مورد نظر ایالات متحده، با کدهای ژئوپلیتیکی ایران در سطح محلی و منطقه‌ای در تعارض آشکار قرار گرفته و دائماً با ایران رفتارهای دیپلماتیک تاکتیکی را دنبال می‌کند.

به همین دلیل ایران در خاورمیانه به سختی می‌تواند با کشورهایی هم‌چون مصر و اردن و حتی عربستان روابط دوستانه و صمیمی برقرار کند به نحوی که حاصل این روابط به پیمان‌های اقتصادی — منطقه‌ای بسیار کارآمد هم‌چون آ. س. آ. ن. منتهی شود. اگر هم گهگاهی مناسبات دیپلماتیک و در نهایت چند توافق‌نامه اقتصادی میان این کشورها شکل گیرد بیشتر جنبه‌های تاکتیکی دارد تا اینکه عمیقاً از درون آن بتوان به نتایج خاصی رسید. کدهای ایران در سطح

1. Geopolitical Codes

2. Association of South East Asian Nation

پیمان آ.س.آ.ن: پیمانی اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا است

محلی با کشورهای آذربایجان، تا حدودی ترکیه، عراق (تا زمانی که آمریکا این کشور را تحت اشغال خود نگه دارد)، کویت، عربستان و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس نمی‌تواند از یک چارچوب تعریف شده‌ای فراتر رود و همواره با تنش فراوان مواجه خواهد بود. به عبارتی هرچند که با تمامی این کشورها روابط سیاسی، بازرگانی و حتی اقتصادی خوبی ممکن است وجود داشته باشد لیکن با هیچ‌یک از آنها به جهت تفاوت در کدها در بعد محلی نمی‌توان وارد پیمان‌های اقتصادی قوی و منسجم شود. حتی در شرایط کنونی بسیاری از پیمان‌های شکل گرفته قبلی تحت فشار آمریکا از کارایی قوی برخوردار نبوده و خنثی شده است.

بر خلاف همسایگان غربی، ایران در شرق با پاکستان و افغانستان و ترکمنستان هم مرز است. شباهت کدهای این کشورها در سطح محلی هماهنگی و سازگاری زیادی با کدهای سطح محلی ایران را نشان می‌دهد. ایران در شرق و مهم‌تر از همه در شمال شرقی از فضای عملکرد نسبتاً بهتری برخوردار است. با این وجود هرچند کدهای ایران در سطح محلی با کدهای پاکستان و افغانستان دچار کمترین تنش است و لیکن چون هر دو کشور با ایالات متحده روابط نسبتاً خوبی دارند ایران باز هم در شکل دادن به یک پیمان اقتصادی با هر دو کشور که بتواند فعالیت‌های گسترده‌ای را به لحاظ اقتصادی تحت پوشش قرار دهد، دچار مشکل است. به عنوان مثال تاکنون روابط ایران و پاکستان و افغانستان به محض اینکه از یک چارچوب مشخص فراتر می‌رود هر دو کشور با فشار و دخالت‌های آمریکا مواجه شده و از نزدیکی بیشتر با ایران خودداری می‌کنند. در شرق کدهای منطقه‌ای ایران در شبه قاره هند با حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی منطقه‌ای هماهنگ است به همین جهت ایران همکاری‌های بسیار مناسبی با هند و سایر کشورهای شبه قاره در سطح اقتصادی - فرهنگی - سیاسی دارد. اما باز هم در این منطقه با کدهای جهانی آمریکا در تعارض بوده و به همین دلیل خط لوله صلح به نتیجه نرسیده و بارها از طرف آمریکا تحت فشار قرار گرفته و با امتیازات اتمی آمریکا به هند، این کشور را با دوگانگی‌های بیشتری در سطح کدهای منطقه‌ای مواجه ساخته است. ولی ایران چنانچه دیپلماسی قوی را در شبه قاره از خود ارائه کند، می‌تواند با استفاده از کدهای منطقه‌ای خود وارد عرصه‌های گسترده اقتصادی و فرهنگی با شبه قاره شود.

ایران از سوی شمال شرقی و شمال خود، مناسب‌ترین روابط را در شرایط کنونی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دارد. به جرأت می‌توان گفت که علی‌رغم تمامی تحولات شکل گرفته بعد از یازده سپتامبر و فشارهای چند جانبه آمریکا به ایران هم‌چون قرارگیری ایران در فهرست کشورهای محور شرارت، باز هم کدهای ژئوپلیتیکی آن در سطح محلی و منطقه‌ای در آسیای مرکزی تقریباً هیچ‌گونه مانعی را در پیش روی خود ندارد. البته روسیه همیشه نظاره‌گر تحولات قلمرو ژئواستراتژیک سستی خود در منطقه آسیای مرکزی است ولی کدهای منطقه‌ای ایران کدهای منطقه‌ای روسیه را در این حوزه تهدید نمی‌کند.

در حوزه قفقاز نیز مانعی وجود ندارد هر چند که آمریکا در این حوزه توازن‌سته است نفوذ کند ولی کدهای آمریکا بیشتر با کدهای روسیه در کشورهایی چون اوکراین و گرجستان در تعارض قرار گرفته‌اند. در سطح منطقه‌ای در غرب ایران هم اکنون نیز با سوریه دارای مناسبات قوی اقتصادی و سیاسی می‌باشد که این امر نشان دهنده هماهنگی کدهای منطقه‌ای ایران با سوریه است.

بطور کلی در سایه چنین فضایی از حوزه عملکردی کدهای ژئوپلیتیکی ایران و سایر همسایگان مجاور یا کشورهای حوزه نفوذ منطقه‌ای، شهرهای ایران می‌توانند وارد عرصه بین‌المللی شده و به ایفای نقش فراملی خود بپردازند. با توجه به مباحث فوق تا زمانی که کدهای محلی و منطقه‌ای ایران با کدهای جهانی ایالات متحده که رهبری و هدایت نظام سرمایه‌داری جهانی و فضای جریان‌ها را بر عهده دارد، در چالش باشد ایران نمی‌تواند از حداکثر توان کدهای خود در سطح محلی و منطقه‌ای استفاده لازم را ببرد و متعاقب آن نخواهد توانست وارد تعاملات نظام بین‌الملل و فضای جریان‌ها شده و از سرمایه‌های جهانی و سایر اشکال جامعه اطلاعاتی در کلان شهرهای خود بهرمنند شود. بنابراین عملکرد دولت ایران همواره در عرصه فضای مکان‌ها خواهد بود و حوزه عملکرد بین‌المللی کلان شهرهای ایران نیز در همین عرصه یعنی فضای مکان‌ها تجلی یافته و می‌تواند پیگیری شود.

۲-۴. حضور محلی و منطقه‌ای کلان‌شهرهای ایران

هم‌چنان‌که پیشتر به آن اشاره شد، عملکرد بین‌المللی کلان شهرهای ایران تحت تأثیر کدهای

ژئوپلیتیکی در فرادست خود در سطح کشوری می‌باشد. یعنی هرگونه نقش‌آفرینی بین‌المللی کلان‌شهرها با توجه به کدها در سطح فرادست می‌تواند شکل بگیرد. در شرایط کنونی کلان‌شهر تهران به جهت داشتن شرایط خاص خود که از مرکزیت سیاسی و اقتصادی در سطح ملی برخوردار است می‌تواند با توجه به کدهای ایران در سطح محلی و منطقه‌ای وارد تعاملات بین‌المللی با کلان‌شهرهای کشورهای مجاور و یا در سطح منطقه‌ای شده و از امکانات بالقوه و بالفعل این شهرها برای بهرمندی هر چه بیشتر اقتصادی استفاده نماید. سایر کلان‌شهرهای ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود و حوزه نفوذ فرهنگی، می‌توانند وارد این نوع تعاملات با کلان‌شهرهای کشورهای مجاور ایران شده و یا حتی در سطح منطقه‌ای نیز به ایفای نقش بین‌المللی بپردازند. به عنوان مثال کلان‌شهر تهران و مشهد هر دو می‌توانند وارد فضای بین‌المللی آسیای مرکزی و افغانستان شوند. در حوزه شمالی به ویژه قفقاز و روسیه کلان‌شهر تهران هم در سطح محلی و هم در سطح منطقه‌ای می‌تواند از فضای ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای کشورهای مجاور و منطقه‌ای بهره‌مند شود. در این وضعیت تهران با مسکو می‌تواند مرادوات گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای داشته باشد. علاوه بر این تهران می‌تواند وارد فضای اقتصادی شهرهای قزاقستان، روسیه، سفید، گرجستان ارمنستان و رومانی شود.

در شمال غرب کشور، کلان‌شهر تبریز می‌تواند از حوزه نفوذ سنتی خود استفاده کرده و با ترکیه و با تلاش بیشتر دیپلماتیک در آذربایجان وارد تعاملات اقتصادی شود. هر چند که در این دو کشور نمی‌تواند از عملکرد و نقش‌آفرینی بالایی برخوردار شود. در غرب ایران کلان‌شهرهای سندج و کرمانشاه از شرایط نسبتاً خوبی برای نقش‌آفرینی در سطح محلی دارند به ویژه که با شکل‌گیری حکومت خودگردان کرد عراق، این دو شهر هم با بغداد و هم با سایر شهرهای کردنشین در شمال عراق می‌توانند وارد تعاملات اقتصادی و فرهنگی نسبتاً مناسبی شوند. اما در ارتباط با بغداد هم چنان که قبلاً اشاره شد، سطح تعامل نمی‌تواند بسیار گسترده شود چرا که ایالات متحده گسترده شدن فعالیت کلان‌شهرها را در عراق به نوعی در تعارض با کدهای خود می‌بیند.

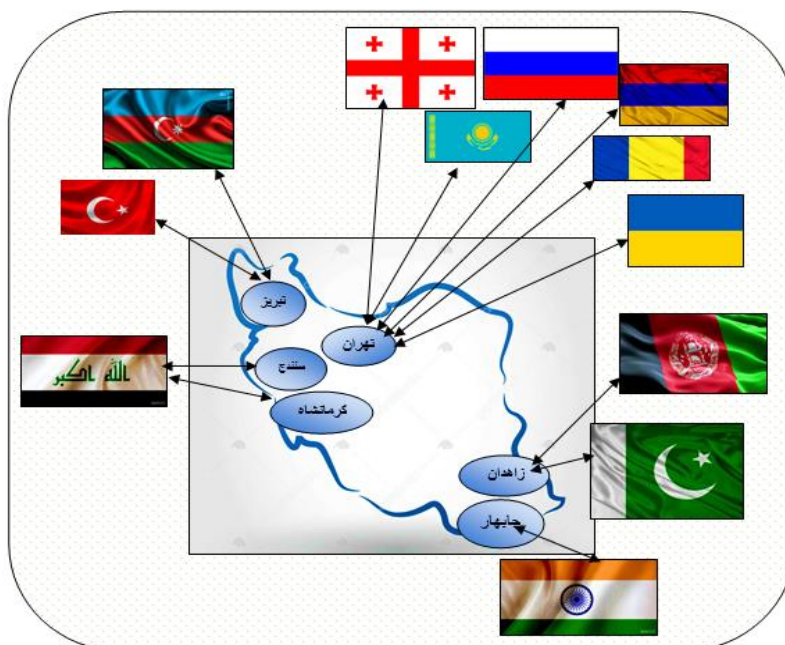
در حوزه جنوبی، ایران از حوزه نفوذ سنتی برخوردار است، اما با شکل‌گیری تحولات اخیر و

فشار ایالات متحده برای تحریم هر چه گسترده‌تر ایران، کلان شهرهای جنوبی هم‌چون اهواز، شیراز و بندرعباس نخواهند توانست با کشورهای جنوبی خلیج فارس روابط اقتصادی گسترده و عمیق داشته باشند.

در جنوب شرقی و شرق نیز چابهار پتانسیل نقش‌آفرینی را در سطح جهانی دارد ولی متأسفانه به جهت در تعارض بودن کدهای ایران با ایالات متحده، نقش‌آفرینی این بندر محدود به سطح محلی و منطقه‌ای شده است. اما به میزانی که فشارهای جهانی بر روی ایران گسترده‌تر می‌شود، سطح عملکردی چابهار نیز به سطح محلی تنزل می‌یابد. اما در شرق ایران، کلان شهر زاهدان می‌تواند مناسبات اقتصادی خود را با کلان‌شهر اسلام‌آباد در پاکستان و کلان‌شهر کابل در کشور افغانستان، پی‌گیری نماید. چرا که پاکستان و افغانستان به جهت مشکلات سیاسی و هویتی نمی‌توانند ایران را در منطقه نادیده گرفته و در راستای پیشبرد اهداف کدهای ایالات متحده، حوزه نفوذ کلان شهر زاهدان را در نظر نداشته باشند. از این رو زاهدان نیز در موقعیت نسبتاً بهتری قرار گرفته است.

به طور کلی به منظور حضور محلی - منطقه‌ای کلان‌شهرهای ایران در فضای جریان‌ها ضرورت طرح دیپلماسی شهری به جهت فراهم آمدن فرصت‌های مناسب در این زمینه ضروری است.

شکل (۲): حضور محلی و منطقه‌ای کلان‌شهرهای ایران



۳-۴. دیپلماسی شهری^۱

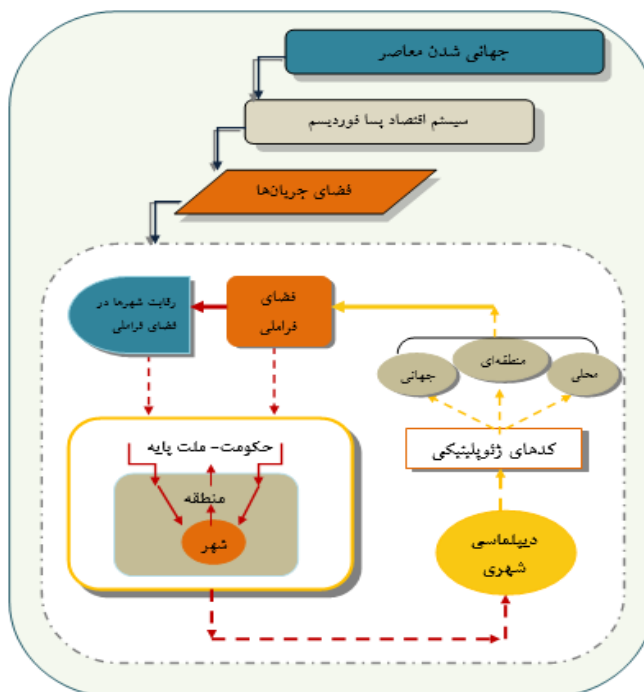
جدیدترین پدیده‌ای که در اواخر قرن بیستم در میان کلان‌شهرها و جهان‌شهرها شکل گرفت مباحث دیپلماسی شهری بود. دیپلماسی شهری به موازات سطح فراتر دیپلماسی دولت‌ها میان کشورهای مختلف جهان، شکل گرفته و امروزه جهان‌شهرها و کلان‌شهرهای بسیاری از این ابزار برای رسیدن به اهداف اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی در راستای منافع ملی کشور خود بهره می‌برند (Van der Pluijm and Melissen, 2007).

هر چند که در میان جهان‌شهرها دیپلماسی شهری بعد دیگری نیز دارد که بیشتر در چارچوب منافع شرکت‌های سرمایه‌گذاری و چندملیتی دنبال می‌شود. در دیپلماسی شهری مدیران کلان‌شهرها در راستای مناسبات بین‌المللی میان کلان‌شهرهای کشورهای مختلف وارد عرصه تعاملات میان‌شهری در حوزه امور بین‌الملل شده و با برقراری روابط کاملاً تخصصی منافع

1.City Diplomacy

شهری خود را در کلان شهرها و یا جهان شهرهای دیگر جستجو می کنند. به عنوان مثال امروزه دیپلمات های شهری جهان شهر سیدنی با جهان شهر منطقه ای سنگاپور مناسباتی را طراحی کرده اند که منجر به تأسیس شعبه ای از فروشگاه های زنجیره ای هر شهر در فضای شهری دیگری شده و کالاهای تولیدی کشور خود را در شعبه های فروشگاه خود بدون پرداخت عوارض گمرکی به فروش می رسانند (Newmen and thornley, 2005:246). بنابراین دیده می شود که وضعیت جدیدی شکل گرفته است که بخشی از درآمدهای یک شهر علاوه بر دریافت مالیات از شهروندان، از شهر دیگری نیز می تواند کسب شود. به عبارتی شهروندان یک شهر دیگر در یک مکان جغرافیایی متفاوت سبب شکل گیری درآمدهایی شده اند که قبلاً درآمد هر شهر محدود به شهروندان خود آن شهر می شد. در چنین وضعیتی یکی از راهبردهای اساسی مدیران کلان شهرهای ایران در حوزه مناسبات بین المللی با شهرهای دارای اولویت راهبردی، شکل دهی به دیپلماسی شهری است. در راستای پی گیری چنین هدفی، مدیران شهری کلان شهرهای ایران علاوه بر مشخص ساختن جایگاه دیپلماسی در بدنه ساختار مدیریتی خود، اقدام به برگزاری کارگاه های آموزشی دیپلماسی شهری نمایند تا نوع جدیدی از دیپلمات ها با رویکرد شهری جهت پی گیری مناسبات بین المللی در زمینه مدیریت شهری تربیت شوند. کارگاه های آموزشی می توانند، برای سایر مدیران یک کلان شهر مفید باشند و آن ها را با فضای های بین المللی مناسبات میان کلان شهرها، آشناتر سازند. از سوی دیگر مدیریت کلان شهرها باید بتوانند بوسیله جریان دیپلماسی شهری، علاوه بر کلان شهرها، با سایر سازمان های اقتصادی - منطقه ای وارد عرصه مناسبات دیپلماتیک شده و از پتانسیل بالقوه چنین سازمان هایی در عرصه اقتصادی استفاده نمایند.

شکل (۳): جهانی سازی معاصر و ورود شهرها به فضای فراملی



۵. نتیجه گیری

شهرها از دیر باز تحولات عمده تاریخ بشری بوده‌اند. آن‌ها نه تنها با پسرکرانه‌های محلی خود تعامل داشتند بلکه به مرور با سایر شهرهای دیگر در یک رابطه سلسله مراتبی وارد عرصه‌های مناسبات اقتصادی و اجتماعی شده‌اند. بعد از شکل‌گیری پیمان و ستفالیو و ظهور حکومت - ملت‌ها پایه در صحنه نظام بین‌الملل، حضور و نقش شهرها در این فضا کم‌رنگ شد و به جای آن دولت‌ها وارد عرصه بازیگری در نظام بین‌الملل شدند. این روند تا اواخر قرن بیستم ادامه یافت، اما با تحولات گسترده‌ای که در نظام سرمایه‌داری و تجدید ساختار آن از اقتصاد فوردیسم به پسا فوردیسم منتهی شد، شهرها به مرور نقش و کارکرد گذشته خود را در مناسبات بین‌المللی بازیافتند و وارد عرصه بازیگری در نظام بین‌الملل شدند. با شکل‌گیری چنین روندی، عده‌ای آن را تحت عنوان فضای جریان‌ها تعبیر کردند که پایه اصلی جهانی شدن معاصر است. جهانی شدن معاصر در اصل بر اساس تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری، منطق شبکه و فضای

جریان‌ها، ظهور یافت که تبلور آن در گره‌های مکانی ساختار سلسله مراتبی شبکه، یعنی جهان‌شهرها می‌باشد. به همین جهت امروزه می‌توانیم جغرافیای جهانی شدن را ترسیم کنیم که براساس شبکه جهان‌شهرها شکل گرفته است.

کشور ما در موقعیت خاص ژئوپلیتیکی قرار گرفته که به جهت دارا بودن کدهای ژئوپلیتیکی در دو سطح محلی و منطقه‌ای و تعارض آن با کدهای جهانی ژئوپلیتیکی ایالات متحده، با مشکلات گسترده‌ای در جهت ورود به فضای جریان‌ها و جهانی شدن معاصر مواجه شده است. از جمله با گسترش مفهوم "ما" و "دیگری" به عنوان ابزار امر سیاسی ایالات متحده به عنوان مکانیزم دفاعی در عرصه جهانی در برابر تهدیدات احتمالی به شکل کد ژئوپلیتیکی تحت عنوان محور شرارت می‌پردازد، بر این اساس امروزه کلان‌شهرهای ایران نمی‌توانند در عرصه جهان‌شهرها حضور یابند و به عنوان یک بازیگر به ایفای نقش در فضای جریان‌ها بپردازند.

با این وجود، چنانچه مدیران کلان‌شهرهای ایران تمایل داشته باشند که در مناسبات بین‌المللی حضور یابند، می‌توانند از حوزه نفوذ سنتی ایران در میان کشورهای همجوار و مناطق پیرامونی آن بهره‌مند شوند. بنابراین عملکرد و نقش‌آفرینی کلان‌شهرهای ایران در دو سطح محلی و منطقه‌ای خواهد بود. هرچند که در این دو سطح نیز با مشکلات زیادی مواجه خواهند بود.

پیشنهادات:

راهکارهای پیشنهادی برای ورود به عرصه مناسبات بین‌المللی کلان‌شهرهای ایران می‌تواند در موارد ذیل دنبال شود:

۱. فعال‌سازی واحد بین‌الملل شهرداری‌های کلان‌شهرها و ارتقاء آن‌ها به سطح معاونت بین‌الملل؛ از آنجایی که اکثر شهرداری‌های کلان‌شهرهای ایران به ویژه کلان‌شهر تهران که نقش اساسی و مهمی را در سطح ملی دارد، از تشکیلات بین‌الملل بسیار ضعیفی برخوردار هستند باید جایگاه سازمانی تعاملات بین‌المللی را در ساختار مدیریت شهری این کلان‌شهرها ارتقاء داد. به عبارتی بسیاری از کلان‌شهرهای ایران یا چیزی به نام واحد بین‌الملل ندارند، یا این که اگر چنین واحدی وجود داشته باشد در زیرمجموعه روابط عمومی تعریف شده است.

این امر نشان‌دهنده این است که تاکنون مدیریت‌های شهری در ایران اعتقاد چندانی نسبت به امور بین‌المللی و مناسبات بین‌المللی میان کلان‌شهرهای سایر کشورهای مجاور، منطقه‌ای و یا جهانی نداشته‌اند. بنابراین با توجه به تجارب جهانی و پیوندهای بیشمار بسیاری از کلان‌شهرها و جهان‌شهرهای امروزی که مناسبات گسترده بین‌المللی با سایر هم‌تایان خود دارند به عنوان مثال امروزه روابط بسیار گسترده بین‌المللی میان لوس‌آنجلس و توکیو وجود دارد می‌توان در درجه نخست، امور بین‌الملل کلان‌شهرهای ایران را با ارتقاء در ساختار مدیریت شهری و قرار دادن در سطح یک معاونت با منابع مالی کافی گام اول را در جهت گسترده ساختن مناسبات بین‌المللی برداشت.

۲. ایجاد کارگروه‌های مطالعاتی در راستای تحقیق و پژوهش در حوزه‌های جغرافیایی خاص و نظارت و تعقیب تحولات کلان‌شهرها در زیر مجموعه هر کدام از این حوزه‌ها؛ کارگروه‌های مطالعاتی را می‌توان در معاونت امور بین‌الملل راه‌اندازی کرد تا در راستای حوزه نفوذ جغرافیایی هر کلان‌شهر، عده‌ای کارشناس و متخصص، تحولات شهری مربوط به آن حوزه جغرافیایی را مورد مطالعه قرار داده و در نهایت ماهیانه گزارش‌هایی را برای مدیریت شهری ارسال نماید. به عنوان مثال کارگروه‌های مطالعاتی در معاونت بین‌الملل شهرداری کلان‌شهر مشهد می‌تواند متمرکز بر تحولات شهرهای آسیای مرکزی، شبه‌قاره و قفقاز شده و در چارچوب کدهای ژئوپلیتیکی در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی، شهرهای این سه منطقه جغرافیایی را مورد مطالعه قرار داده و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را جهت نقش‌آفرینی بین‌المللی کلان‌شهر مشهد در این سه حوزه جغرافیایی را تحت عنوان گزارش‌های راهبردی به مدیریت شهری ارائه نماید.

سایر کلان‌شهرهای ایران نیز نیازمند مطالعه گسترده و پیگیری تحولات شهری در حوزه نفوذ جغرافیایی خود هستند. در این میان کلان‌شهر تهران به جهت داشتن حوزه نفوذ جغرافیایی گسترده در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی، اروپا، شرق آسیا، شبه‌قاره و حتی آفریقا، کلان‌شهرهای این مناطق را می‌تواند در حوزه مطالعه خود قرار دهد.

۳. استفاده از ابزار دیپلماسی شهری و ارتباط با سازمان‌های اقتصادی و منطقه‌ای؛ با توجه به

اینکه شبکه جهان شهرها هم اکنون از این ابزار برای بهره‌مندی از منافع اقتصادی در عرصه‌های فراملی استفاده می‌کنند کلان‌شهرهای ایران می‌تواند در دو زمینه دیپلماسی شهری را دنبال کند؛

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزش دیپلماسی شهری

۲. دیپلماسی شهری با مدیریت‌های کلان‌شهرها و جهان‌شهرهای دیگر و هم‌چنین با شرکت‌های چند ملیتی و با سازمان‌های منطقه‌ای - اقتصادی.

۴. برگزاری مناسبات فرهنگی؛ هر یک از کلان‌شهرهای ایران، در ارتباط با حوزه نفوذ بین‌المللی خود می‌تواند یکی از روزهای سال را تحت عنوان تقویم شهری به برگزاری روز ملی سایر کلان‌شهرهایی که در کشورهای مختلف قرار دارند، اختصاص دهند. داشتن چنین رویکردی سبب خواهد شد تا زمینه‌های ذهنی مناسبی از شهروندان کلان‌شهرهای ایران در شهروندان سایر کلان‌شهرها، شکل گیرد.

در حقیقت فرهنگ می‌تواند در مستحکم ساختن پیوندهای معنوی میان شهروندان کلان‌شهرها در راستای فراهم شدن زمینه‌های اقتصادی، نقش موثری داشته باشد. برگزاری مراسم فرهنگی که متناسب با هویت هر کلان‌شهر در سطح محلی و منطقه‌ای می‌باشد، می‌تواند نقش موثری را در ایجاد و فراهم‌آوری جهت‌دستیابی به منافع اقتصادی مؤثر افتد. به عنوان مثال کلان‌شهر مشهد می‌تواند در جذب و انگاره‌سازی مناسب در شهروندان کلان‌شهرهای آسیای مرکزی نسبت به خود و فراهم ساختن تصاویر ذهنی مثبت که سایر کشورها در این منطقه در صدد شکل‌دهی به چنین تصاویری از خود هستند، حرکت شایسته‌ای انجام دهد تا با برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی و محافل ادبی و تاریخی، بسترسازی‌های اولیه‌ای را برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم سازد.

۵. تأسیس اتاق‌های اقتصادی در کلان‌شهرهای حوزه نفوذ؛ از آنجایی که مدیریت شهری در ایران دارای ظرفیت‌های گسترده و تجارب ارزشمندی است جهت صدور بخشی از این خدمات به کلان‌شهرهای سایر کشورهای دیگر، می‌توان دفاتر اتاق‌های اقتصادی - شهری تأسیس نماید. از سوی دیگر با بکارگیری ظرفیت‌های علمی - پژوهشی و اقتصادی در بدنه مدیریت شهری، می‌تواند در سایر کلان‌شهرها در حوزه‌های بین‌المللی، کارگاه‌های آموزشی در

حوزه فناوری‌های تکنولوژی و یا سیستم اطلاعات جغرافیایی را، راه‌اندازی کرده و از این طریق کسب در آمد نمود. هم‌اکنون در سطح محلی و منطقه‌ای بسیاری از کلان‌شهرهای حوزه نفوذ شهرهای اصلی ایران، در وضعیتی قرار دارند که نیازمند خدمات فنی و تکنولوژیکی، مدیریتی، حقوقی هستند. هم‌چنین کلان‌شهرهای ایران با استفاده از ابزار دیپلماسی شهری می‌توانند سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهری سایر شهرهای مهم حوزه نفوذ خود در چارچوب اتاق‌های اقتصادی - شهری، مشارکت داشته باشند.

۶.قدردانی

نویسندگان مقاله از تمامی مسئولین فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک به ویژه داوران گرامی که با داوری دقیق، زمینه ارتقاء کیفی مقاله را فراهم آورده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

References

1. Castells, M. (2001). *The Information Age: Economy, Society and Culture*; Translated by: Ahmad Eghlian, Afshin Khakbaz; Tehran; New design publications. **[In Persian]**
2. Cohen. S. B.(2003). *Geopolitical of the World System* :Rowman & Littlefield Publishers.
3. Colin S. G; Geoffrey R. S.(1999). *Geopolitics, Geography, and Strategy*: ; Routledge Publishers.
4. Flint, C.(2006). *Interdiction in Geopolitics*: Routledge Publishers: 2006.
5. Harvey, D.(1990). *The Conditions of Postmodernity*: Blackwell Publishers:.
6. Johnston, R. J.; Taylor, P. J.; Watts, M. (Eds.). (2004). *Geographies of global change*, Translated by: Nasrin Nouria; Tehran; High War Publications. **[In Persian]**
7. Jones, M.; Jones, R.; Woods, M.; Whitehead, M.; Dixon, D.; Hannah, M. (2007). *An introduction to political geography* ;Translated by: Dr. Zahra Pishgahifard, Rasoul Akbari; Tehran; University of Tehran Publications. **[In Persian]**
8. Minca, C; Rory, R. (2015). *On Schmitt and space*. Routledge.
9. Mojtahedzadeh, P (2013). *Political Geography and Geographical Politics*, Samt Publications. **[In Persian]**
10. Mousavi Shafaei, M.(2007); *Development-oriented foreign policy*; Tehran; Strategic Research Center; Foreign Policy Research. **[In Persian]**
11. Naji, S; Jayum, A.J (2011). *The US Geopolitical Codes and Its Influences on the US-Iran Relations: The Case of George W. Bush's Presidency*. *J. Pol. & L.*, 4, 231.
12. Newman, P; Thornley , A.(2005).: *Planning World Cities*: Palgrave macmillan Publishers.
13. Sassen, S.(2006). *Cities In A World Economy*: Pine Forge Press An Imprint of Sage Publications.
14. Schmitt, C (2020), *Theory of the Partisan: Intermediate Commentary on the Concept of the Political* .
15. Short, J. R; Kim, Y. H. (2005). *Globalization and the City*; Translated by: Dr. Ahmad Poorahmad, Shayan (hero) Rostami; Tehran; Publications of the Institute of Humanities, Culture and Social Studies, University of Tehran. **[In Persian]**
16. Short, J.R. (2004). *Global Metropolitan: Globalizing Cities in a Capitalist World*; Routledge Publishers.

17. Soja, W. E. (2000). Post-metropolis: Critical Studies of Cities and Region, Blackwell Publishers.
18. Taylor, P.J; Watts, M.J; Johnston R.B.(2002).Geographies of Global Change: Blackwell Publishers.
19. Taylor, P.J.(1994). Political Geography: Routledge Publishers.
20. Taylor, P.J.(2004). World city networks: A Global urban Analysis; Routledge Publishers.
21. Taylor, P.J .(2001). A New Mapping of the World for the New Millennium , Geopolitics Quarterly,Vol:167,P 213- 222.
22. Vander Pluijm, R.; Melissen, J. (2007). City diplomacy: The expanding role of cities in international politics. La Haya: Netherlands Institute of International Relations Clingendael.
23. Webster, F. (2003). Theories of the information society; Translated by: Mehdi Davoodi; Tehran; Ministry of Foreign Affairs Publications. **[In Persian]**